مشکلات اقتصادی ناشی از کرونا عده‌ای را به دریافت وام در قبال سپردن طلاهای خانگی واداشته است / عکس: عارف طاهرکناره - جام جم

گزارشی از بانک کارگشایی که با افزایش قیمت طلا این روزها حسابی شلوغ شده است

# وام طلایی کمرنگ!

لیلا شوقی

جامعه


**ما جرا تقریبا از دو ماه پیش شروع شد، از زمانی که ویروس کرونا، وارد ایران شد و کمر به قتل کسب و کارها بست. شاید به خاطر همین است که صف‌های طولانی برای دریافت کمک هزینه یک میلیون تومانی دولتی تشکیل شد و حالا هم در بانک کارگشایی، در روزهای کرونایی، جای سوزن انداختن نیست و تراکم جمعیتی به شدت بالاست. بانکی که برای گرو گذاشتن ۷۰ گرم طلایی که به قیمت روز، گرمی حدود ۶۴۵ هزار تومان قیمت دارد، ده میلیون تومان وام به مشتری‌هایش می‌دهد. درخواست‌ها اما برای کمتر از این مقدار وام بانکی هم وجود دارد؛ وام‌هایی که قرار است مرهمی برای زخم‌هایی که بر تن نحیف اقتصاد خانواده‌ای نقش بسته، باشد.**

تصور همه از میدان محمدیه و خیابان مولوی تصویر روشنی است، خیابانی که به بازار بزرگ تهران راه دارد و مغازه‌ها و انبارهای خواربارفروشی آن مشهورند و همه‌چیز به صورت عمده به فروش می‌رسد. تصویر این است که موتوری‌ها، وانتی‌ها و مردم تمام پیاده‌روها و خیابان‌ها را پرتردد و شلوغ کنند و هر لحظه منتظر بوق ممتد اتوبوس بی‌آرتی برای پیچیدن یک موتوری به جلوی آن باشند. امروز اما، خیابان مولوی تصویر دیگری از خود نشان داده است. در روزهای کرونایی، خیابان مولوی هم رنگ و بوی کرونایی به خود گرفته است. حالا بسیاری از عابران و کسبه ماسک به‌صورت زده‌اند. درست در کنار بانک ملی، بانک کارگشایی است؛ جایی که انگار کرونا آنجا نیامده و ساعت ۸ صبح از همه جای خیابان مولوی شلوغ‌تر است.

## فاصله اجتماعی که نیست

جلوی در آهنی بزرگ بانک، تعداد زیادی خانم ایستاده‌اند. برخی ماسک به صورت زده‌اند و بعضی اما بی‌محابا بدون درنظر گرفتن فاصله اجتماعی و اصول بهداشتی، چسبیده به هم مشغول صحبت‌اند. برای رسیدن به بانک، باید از در بزرگ آهنی گذشت، وارد حیاط سقف‌دار شد، از پله‌های سنگی بانک قدیمی بالا رفت و بعد از گذر از راهروی پهن، به سالن بزرگ مستطیل‌شکل وارد شد. جایی که در سه، چهار ردیف صندلی‌های فلزی، روبه‌روی بخش‌های باجه‌ها، صندوق‌ها و ذخایر چیده شده‌اند. بیشتر مشتری‌ها، خانم هستند؛ کسانی که دو، سه نفری چسبیده به هم، نشسته‌اند روی صندلی‌ها. در دستان همه‌شان، کپی‌های شناسنامه، کارت ملی و فرم درخواست‌شان است و همه با نگرانی، چشم دوخته‌اند تا کسی صدایشان کند. صندلی‌های فلزی تقریبا پر است. همه در کنار هم، چسبیده به هم، حتی بدون ماسک نشسته‌اند و در سکوت سالن، با هم درگوشی حرف می‌زنند.

تعداد خانم‌ها بیشتر از مردان است. آن طرف‌تر، درست کنار صندلی حراست، یک کمد ویترینی شیشه‌ای گذاشته‌اند که هر کدام از قفسه‌هایش با النگوها، گردنبندها و گوشواره‌های طلا پر شده‌است. روی کمد برچسب سفیدی زده شده‌است: «نمونه‌ای از طلاهای تقلبی که توسط بانک کشف شده‌است.»

## ۲ میلیون وام با واکر

حرف زدن با مراجعان بانک کارگشایی سخت است. از هر کسی که سوالی می‌پرسیم، اول سر تا پایمان را نگاه می‌کند، بعد لب برمی‌چیند و با شک و تردید خود را عقب می‌کشد، کیفش را محکم‌تر می‌گیرد در دستانش و سر می‌چرخاند به طرف مخالف تا بی‌اعتنایی را به بالاترین حد خود برساند. مسؤول حراست در سالن می‌چرخد و با نگاه خیره‌اش نگاه می‌کند به کسانی که به نظرش مشکوک می‌رسند. حالا بیشتر توجهش به بخش خزانه جلب شده‌است، جایی که ما در حال ارتباط برقرار کردن با پیرزنی سالخورده هستیم.

زن یک پایش را دراز کرده‌است روی صندلی‌های فلزی و با بی‌صبری چشم دوخته به باجه خزانه‌داری تا کسی صدایش کند. صدای خس‌خس نفس کشیدنش می‌آید. هرازگاهی هم سرفه‌ای می‌کند تا راه برای تنفسش باز شود. نفس‌کشیدنش اما سخت‌تر می‌شود. دلیل آمدنش به بانک را که می‌پرسیم، به چشمان ریزش چینی می‌اندازد و بعد می‌گوید: «مجبور بودم که برای دو میلیون تومان وام به بانک آمدم.» با گرو گذاشتن ۷۰ گرم طلا، منتظر است تا به او دو میلیون تومان وام بدهند، هرچند طبق قوانین، بیشتر از اینها هم می‌تواند وام بگیرد، پیرزن اما نگران بازپرداخت است و با همین دو میلیون تومان هم کارش راه می‌افتد. چند دقیقه بعد، پیرزن را صدا می‌کنند. به سختی از روی صندلی بلند می‌شود. همراهش واکر آهنی را به دستش می‌دهد، وزنش را می‌اندازد روی آهن و کند و کشدار، قد راست می‌کند و شمرده و آرام قدم برمی‌دارد به سمت خزانه‌داری تا فیش دریافت وامش را تحویل بگیرد.

## وامی برای شروع زندگی

پنج، شش النگوی ضخیم میناکاری شده، مچ دست دختر جوان را پوشانده است. از دور هم می‌شود دست‌های پر از طلای دختر را دید. این اما تنها طلای او نیست. ۷۳ گرم دیگر طلا برای گرو گذاشتن آورده است: «با این مقدار طلا می‌توانم ده میلیون تومان وام بگیرم.» وامی که برای تهیه جهیزیه می‌خواهد. به اینجای حرف‌هایش که می‌رسد از گوشه چشم به پسر جوانی که کنارش نشسته است، نگاه می‌کند. چند ماه دیگر باید زندگی مشترک‌شان را شروع کنند. از چند ماه دیگر که حرف می‌زند، لبخند می‌نشیند روی لبانش، یک خانم اما لبخند دخترک را می‌خشکاند. زن با صدای بلند و با لهجه حرف می‌زند. هرازگاهی، چادر گل‌درشت مشکی‌اش را روی سر جابه‌جا می‌کند. تارهای موهای تمام سفیدش از گوشه روسری آبی‌اش بیرون ریخته است، همان طور که حرف می‌زند، دست می‌برد و موها را با گوشه روسری می‌پوشاند و بعد با تسبیح دانه درشتش ذکر می‌گوید. یک ورقه در دست دیگرش گرفته و از این باجه ثبت‌نام به باجه دیگری می‌رود.

ماسکش را روی گردن نگه داشته‌است. مدارکش ناقص بوده و حالا که همه مدارک را در دست دارد، می‌خواهد زودتر کارهای ثبت‌نامش انجام شود. یکی از متصدیان بانک به کمکش می‌آید و فرم‌هایش را برای ثبت‌نام می‌گیرد. چند دقیقه بعد، فیش پرداختی‌اش را در دست دارد تا به سمت بخش خزانه‌داری برود و کارهای دریافت وامش را انجام دهد.

پیرزن که می‌رود به سمت دیگر سالن، سکوت حکمفرما می‌شود. حالا دو خواهری که در کنار هم نشسته‌اند، بیشتر از همه شلوغند. دو سال پیش بود که وام ده میلیون تومانی گرفته‌اند و حالا برای تسویه وام آمده‌اند.

از روزهای کرونایی و خطرناکی حضور در جامعه که می‌گویم، یکی از خواهرها دستانش را با بی‌تفاوتی از هم باز می‌کند و می‌گوید: «کسی که طلاها را از او قرض گرفته‌ایم، طلاهایش را می‌خواهد.» به همین دلیل هم آنها بدون ماسک و توجه به اصول بهداشتی به بانک مراجعه کرده‌اند.

## مراجعه صعودی

یک شیشه، حد فاصل بین مراجعان و متصدیان بانک است. یک نایلون هم روی شیشه‌ها کشیده‌اند تا نهایت بهداشت رعایت شود. به‌جز این اما متصدیان، یک شیلد هم به صورت زده‌اند و چند دقیقه یک‌بار، با مواد ضدعفونی‌کننده‌ای که کنار دستشان است، الکل به فرم‌ها و روی میزشان می‌ریزند؛ گاهی هم دستکش آبی‌رنگشان را ضدعفونی می‌کنند تا از نو، مشغول کار شوند. شاید سوال پیش بیاید که در روزهای کرونایی، مراجعه به این بانک چه تغییری کرده‌است؟ یکی از متصدیان بانک، یک نمودار صعودی بلند بالا از رشد و نزول تعداد مراجعان ترسیم می‌کند. او می‌گوید: «از اوایل اسفند و با شیوع ویروس کرونا، مراجعه به بانک کاهش پیدا کرده‌است.» به گفته او، تعداد مراجعان در اسفند مانند سال‌های قبل نبوده و به‌شدت هم کاهش داشته و این کاهش تا آخر سال و نزدیک‌شدن به عید نوروز هم ادامه داشته‌است. در سال جدید و در روز پنجم فروردین‌ماه، مراجعه حضوری همچنان نزولی بوده است. از زمانی که مشاغل کم‌خطر اجازه کار پیدا کردند اما مراجعه به بانک کارگشایی و بعد درخواست وام بانک افزایش پیدا کرد. متصدی بانک البته تاکید می‌کند: «تسهیلات جدید بانک کارگشایی برای وام دادن هم یکی از دلایل شلوغ شدن است.» او توضیح می‌دهد که از این پس، مدارک درخواستی برای وام گرفتن کمتر شده و همین باعث شده است که نمودار مراجعه رشد کند و به روزهای قبل از کرونا نزدیک شود.

## شتاب برای درخواست یک میلیون تومان

زندگی+

تأثیرات اعلام جنگ کرونا به اقتصاد، نه فقط به ابرقدرت‌ها که به همه توده مردمی، آسیب رسانده‌است. شاید به خاطر همین است که بعد از این که دولت از اعطای وام یک‌میلیون تومانی، گفت، صف‌های درخواست مردمی سر به فلک گذاشت؛ درخواست‌هایی که البته با حواشی هم روبه‌رو بوده‌است؛ اتفاقاتی که نشان می‌دهد ویروس کرونا، نه تنها سلامت که دارا و ندار همه را هدف قرار داده است.

صف‌های طولانی، پیرمردها و پیرزن‌هایی که ماسک به صورت نزده‌اند و شانه به شانه هم، در کمتر از یک متر و نیم، ایستاده‌اند تصویری بود که در روز اول ثبت‌نام درخواست وام رسانه‌ای شد. درخواست وامی که در روزهای کرونایی، باید به صورت حضوری و در پیشخوان‌های دولت انجام می‌شد. خارج از مسأله ازدحام درخواست‌کننده‌ها اما این گرفتن سیمکارت به نام سرپرست خانوار بود که مسأله‌ساز شده بود. پس از رسانه‌ای شدن مشکلات این نوع درخواست، درخواست وام به صورت ثبت‌نامی انجام شد تا بیش از ۳۲ میلیون ایرانی، درخواست وام یک‌میلیون تومانی داشته‌باشند. کسانی که این روزها، احتمالا وام یک‌میلیون تومانی‌شان به دست‌شان رسیده‌است.

## فقط خریداریم

داستان صنف طلافروشان هم مانند بسیاری از اصناف تکرار شده است. داستان آنها با شیوع ویروس کرونا و در اواخر بهمن‌ماه شروع شد و تا به امروز ادامه داشت. ۲۹ اسفند اما پرونده طلافروشان در سال گذشته، با کاهش درخواست برای خرید بسته شد آن هم در روزهایی که به خاطر ماه‌های قمری رجب و شعبان، ماه‌هایی که بیشترین مراسم و جشن‌ها در آنها برگزار می‌شود، بیشترین درخواست برای خرید طلا هم باید اتفاق می‌افتاد. مغازه‌های طلافروشی اما یکی از آن مغازه‌هایی است که با تصمیم ستاد مبارزه و پیشگیری از بیماری کرونا، باید حداکثر تا ۳۰ فروردین بسته می‌ماندند و اجازه فعالیت نداشتند.

بعد از بازگشایی و شروع فعالیت اما نوع فعالیت‌های طلافروشان تغییر کرده‌است. اگر تا قبل از این، فروش طلا بیشترین اتفاقی بود که برای یک طلافروش روی می‌داد، حال این درخواست برای خرید است که بیشتر شده‌است. این را احمد خانعلی‌زاده که طلافروش است، می‌گوید. بعد از ۳۰ فروردین‌ماه که او مغازه‌اش را باز کرد، با درخواست‌های زیاد مشتری‌هایش برای فروش مواجه شد. او می‌گوید: «این روزها کمتر کسی برای خرید به مغازه‌ام می‌آید و همه می‌خواهند طلا بفروشند.»

حالا کسی، رنگ ویترین طلایی‌رنگ طلافروشان را نمی‌بیند و به انعکاس آفتاب روی طلاها توجهی نمی‌کند. به خاطر همین است که بسیاری از طلافروشان مانند او، طلای مشتری‌هایشان را می‌خرند و سریع در بازار می‌فروشند تا نقدینگی بازار در جریان باشد.

این طلافروش، دلیل فروش بیش از اندازه مردم را مشکلات معیشتی و تحت فشار بودن اقتصادی به خاطر بیماری کرونا می‌داند.

در روزهای کرونایی البته یک مشکل دیگر هم پیش آمد. از اول فروردین تا زمانی که قیمت نفت به یکباره نزول کرد، قیمت طلا بالا رفت.

اگر تا چند روز پیش قیمت طلا، حدود ۶۰۰ هزار تومان بود، حالا قیمت یک گرم طلا به ۶۵۰ هزار تومان نزدیک شده‌است و این درخواست‌ها برای فروش را افزایش و درخواست خرید را کاهش می‌دهد.

با افزایش قیمت روزانه طلا، درخواست‌ها برای خرید طلا کاهش پیدا کرده‌است. در ماه مبارک رمضان خرید و فروش طلا کاهش پیدا می‌کند و این یعنی، خوابیدن کسب وکار طلافروش‌ها، پس از آن اما، ماه‌های محرم و صفر هم شروع می‌شود و اینها یعنی که رکود اقتصادی در طلافروشان همچنان ادامه دارد.

به‌گفته خانعلی‌زاده، تا یک ماه دیگر، شرایط صنف طلافروشان، به همین روال است و خرید بیشتر از فروش است؛ مگر این که با تصمیمات ستاد مبارزه با کرونا، ورق به شکل دیگری برگردد و شرایط به نفع مردم و هم‌صنفانش تغییر کند.

## حق با شماست

info@jamejamdaily.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

**#اجاره- قوه- قضاییه**

توکلی از تهران:

از قوه محترم قضاییه درخواست می‌شود به موضوع اجاره‌بها و ساماندهی املاک ورود پیدا کند چراکه دولت این موضوع را به حال خود رها کرده و متاسفانه فشار زیادی بر دوش مستاجران است.

**#جبران- خسارت**

شهروندی از بندر ترکمن:

بهتر است دولت محترم به فکر صنف‌هایی که حدود دو ماه تعطیل بودند و متضرر شده‌اند، باشد و با اقدامات ویژه، سعی در جبران این خسارات کند.

**#اینترنت- بخارایی**

قائمی از تهران:

اینترنت همراه اول و ایرانسل در شهرک بخارایی واقع در منطقه ۱۹ شهر تهران بسیار ضعیف است. مسؤولان این دو اپراتور رسیدگی کنند.

**#ترافیک- باقری**

کرمی از تهران:

توقف خودروها در لاین کناری اتوبان باقری به سمت جنوب، با توجه به عرض کم این اتوبان باعث ایجاد ترافیک و تصادف می‌شود.

**#افسریه- سرعت- گیر**

خرازی از تهران:

دلیل ایجاد سرعت‌گیر بسیار بزرگ و خطرناک در خروجی افسریه به اتوبان بسیج جنب خیابان شهید فهمیده چه چیزی بوده است؟ بسته بودن اتوبان با توجه به نصب نرده، وجود پل عابرپیاده و البته سرعت کم خودروها در این محدوده کافی نبود، سرعت‌گیر هم نصب شد!

**#آسفالت- یاسینی**

رمضانی از تهران:

آسفالت ورودی اتوبان یاسینی به باقری جنوب خراب است و نیاز به نوسازی و روکش دارد.

**#مصالح- مسکن**

شهمیرزادی از کرج:

حمایت نکردن دولت از سازندگان و افزایش قیمت مصالح باعث گرانی مسکن شده و تنها قشری که از این گرانی صدمه می‌بینند مستاجران هستند که سال به سال از خرید خانه دور می‌شوند.

**#تحول- نظام بانکی**

بلقار از تهران:

طرح تحول نظام بانکی که سال‌های سال مطرح شده و در حال خاک خوردن است چرا اجرا نمی‌شود؟